پازگاهی فلسفهی نظریهٔ تاریخ از دیدگاه اسلامی
(دعوت قدمی)
حسین منتخبی
زهره باقریان

چکیده:
فلسفه‌ی تاریخ گردش معرفتی نسبتاً نظاره‌بر است، اما موضوع و مسائل آن از دیگرتر، صورت توجه فلسفه‌ی اندیشمندان بوده است. در این میان، فلسفه‌ی نظریه‌ی تاریخ نسبت به فلسفه‌ی علم تاریخ، قدمتی دیرینه‌ای دارد و اغلب ادیان، مذاهب و مکاتب، دیگرگونه‌ای خود را نسبت به کلیت تاریخ بزرگتر به طرف گوناگون بیان کرده‌اند. یکی از فرقه‌های اسلامی که تفنگری‌های فلسفی آن از عقله بیشتری برخوردار است، اسلامیانی می‌باشد. که در یک تفسیری‌نوردی کلی، به دو دورهٔ دعوت قدمی و جدید تفسیر می‌شود. از آنجا که هر فلسفه‌ی نظریه‌ی تاریخی سعی دارد به سه سؤال مسئول، محرک و هدف تاریخ پاسخ دهد، در مقاله‌ی حاضر سعی شده است برای درک مفهوم تاریخ از نظر اسلامی (دعوت قدمی) به سؤال فوق از دیدگاه ایشان مورد پازگاهی قرار گیرد. تنها مدعی این تحقیق آن است که از نظر اسلامی، تاریخ همیشه دینی و مندیب انسان‌را تعین و اشکار می‌سازد. عامل محرک آن عالم و معرفت است به خصوص اعظم تاریخ در گذشته، طی شده و تنها یک منظوره‌ای نا‌آیده باقی است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه‌ی تاریخ، فلسفه‌ی نظریه تاریخ، اسلامیان، فاطمیان، دعوت قدمی

مقدمه
فلسفه‌ی تاریخ شاخه‌ای از علم تاریخ است که نسبت و تلقی با فلسفه‌های دیگر که آن دوگونه معرفت استخراج می‌گردد. ۱- فلسفه‌ی علم تاریخ ۲- فلسفه‌ی نظریه تاریخ. فلسفه‌ی علم تاریخ به توصیف منطقی، عقلانی و معرفتی نشان‌دهنده می‌باشد. می‌تواند از فلسفه‌ی نظریه تاریخ، فیلسوف تاریخ به دنیای فرهنگ، ماهیت و هدف تاریخ است. امکان به دنبال آیا سوال‌های حواضد و رویدادهای گذشته، موضوع‌های نامربوط و برخی به‌وجود آمده در ورای این رویدادها، هدف و ژست وجود داشته است؟ بر اساس اساس، انسان‌ها نیز می‌پایست بر اساس نوعی نگرش فلسفی - تاریخی به زندگی خود بگردند و بر طبق آن، سلوك خویش را سامان

*دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت معلم
qom.1400@yahoo.com

**پژوهشگر تاریخ اسلام
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷
데ندو علائم بر نظام‌های سياسي، اغلب مذاهب، ایدئولوژی‌ها و مکاتب نیز یکدیگر قابلیت تغییر می‌شوند.

یکی از این مذاهب، مذهب اسلامیه است که در تاریخ و بیشتر متفکران آن، تغییر کرده. تاریخی به وفور یافته می‌شود. این فرهنگ پس از سه قرن امام صادق(ع) پیداگرت گشت و در طول تاریخ پرفرز و نشیب خود به چندین فرهنگ و گروه کوچکتر تقسیم شده که این انسجامها عموماً جهان محور امام صادق(ع) در سال ۱۳۸۴ ق، هسته‌ای اولیه اسلامیه به سال ۱۵۰۰ در کوفه ایجاد گشت و این اولین قرن سوم هجری اسلامیه با دو گروه فاطمیان و قرآنیه متشابه گشتند. فاطمیان به سرعت بر مصر و سپس مصر و مناطق وسیعی از جهان اسلام مسلط شدند، در بخش سال ۱۴۷۶ انسجام گروه موضوع جانشینی خليفه فاطمی مستقر، مجدداً انسجام جدید «قنزهه» به وجود آمد.

با تغییر اندیشه اسلامیه در مسائل خلافت و قدرت گروه نزاریه، دعوت اسلامیه به دو دوره قومی و جدید تفسیر شد که در دوره شاهد ظهور متفکران بسیاری هستم که Inputs فراوانی را در مسائل فکری، و فلسفي اسلامیه مطرح کردند و به آنها نظر و نقش بخشیدند. اما طیبیناً ادوار مختلف تاریخ اسلامیه بسیاری از مبانی فکری - معرفی آنها دستخوش تغییرات عمده نمود و در آن زمان، تغییر تاریخی این مذهب نیز در هر یک از دوره‌ها و تغییرات اساسی گشت؛ به گونه‌ای که علم آنها اساس اندیشه‌های تاریخی و فلسفي نزاریه، هنوز بر پایه بیشتر متفکرين دعوت قدم استوار بود، اما بسیار متفاوت از فاطمیان، به جهان و تاریخ، به صورت کلان - می‌نگریستند. از این رو اندیشه‌های فلسفی و تاریخی متفکرين دعوت قدم، همچنین بیشتری می‌یابد.

با وجود آنکه این مذهب در مسیر تکامل و تحلیل تاریخی خود را پیروی خم و دنووار و در عین حال چالش توجهی را بی‌پایه است، اما فلسفه‌های تاریخ آن مورد توجه دیگر محققان قرار تغییر و هیچ یک از محققین اسلامیه در تألیف خود به جامعه فلسفه‌های تاریخ این مذهب نبردگاند و بر این اساس، ظاهره تغییرات اثر جامعه خواهد بود که درباره فلسفه‌های تاریخ اسلامیه ارائه می‌گردد.

از این رو، راکم این سطح با هدف بررسی فلسفه نظری تاریخ اسلامیه در دعوت قدم، پیوسته زیر را ارائه می‌دهد.

۱- محیط تاریخ
در باب عامل حركت تاريخ از دیدگاه اسلامی‌گری، به وضوح، نمی‌توان عامل، یا عوامل مشخصی را در تحلیل تاریخ، از منابع اسلامی برداشت نمود. اسلامی‌گری به مجموعه چنین عوامل و هماهنگی این عوامل در گذر هم، در حركت تاریخ معتقدند. این عوامل شامل:
الف) علم و معرفت (داناش):
حركت تاریخ، حركت انسان و جامعه‌ای انسانی در مسیر زمان است. مبدأ و اغاز حركت از دیدگاه اسلامی‌گری، تفسیر نفس جزئی است و مقصد، رستگاری محض و عروج دوباره روح به عالم روحانی است. و اینچه در تاریخ حركت مک‌کند، انسان است که در بستر اجتماع از مبدأ تا مقصد در حال حركت است.
بردم بر مثال مسافریست در این عالم و منزل و مقصد از حضور صناع عالم است. خودمندان آن است که نیکو برگرد به خویشتن تا ببیند کو‌هم... از حالی ضعیفتر به حالی قویتر وز مکانی فروتو به مکانی بتر. تا اگاه که پیش خدا شود.
فلسفه تاریخ اسلامی‌گری در چگونگی پیوستن انسان به خدا در مسیر زمان خلاصه می‌گردد. در این فلسفه، انسان غایت آفرینش و رسیدن به عقل کل و معرفت کسب انسان در تاریخ است. حركت انسان در تاریخ و ثالث ای، تاریخ را متحول می‌کند، اما چه چیزی منجر به حركت انسان می‌شود؟
در نگرش این مذهب می‌متحبان جمله حركت انسان‌ها و در نهایت حركت تاریخ و تحلیل تمدن‌ها علم و معرفت است. «پس جهد کنید... اندم طلب کرد عالم تا بدانه به خدادی نزدیکتر شوید و...»
اسلامی‌گری برای وجود انسان، به مرتبه قابل‌توجهی که هر جنبه‌ی آن از هر عوامل و تکامل دارد. این مرتبه عبارتند از: هیلی، نفس و عقل، صدوق و غنی از هر یک از این مرتبه‌ها وجود نیازمند به علم و معرفت است که به واسطه‌آن انسان در سیری صعودی از هیلی به نفس و نفس به عقل سرباری دارد. در واقع اسلامی‌گری بر این نظرند که انسان در حکم موجودی دانست اعلانی است که در یک قسم جسمانی مذکی به سر می‌برد. در این میان، نخست هیلی به

1. آن کی اس کیستون، (۱۳۸۶)، دولت و حکومت در اسلام، تهران، مелеیه نقشی، تهران: انتشارات شفاهی، ۱۹۴۰.
2. ناصر خسرو، (۱۳۲۳)، جامع اخکیتی، مسجد هانی کی‌رن و همد معین، چاپ دوم، تهران، کتابخانه ظهوری، ص. ۸۱.
3. ناصر خسرو، (۱۳۲۳)، جهان دین، چاپ دوم، تهران، کتابخانه ظهوری، ص. ۷۱.
4. ناصر خسرو، (۱۳۲۳)، زادو مسافران، تهران: انتشارات هموود، ص. ۱۳۲۳.
5. شاهرخ سپه، (۱۳۷۱)، چند کتاب در تاریخ ایران، تهران: نشر زندودور، ص. ۱۳۴۲.
عنوان اولین مرتبه از وجود انسانی به منظور تکمیل خوشن تلاش می‌کند. در سلسله مراتب وجود در مرتبه‌ی بالاتری جای می‌گیرد و نتیجه، نسخ تمام نسخه‌های هیویاست. در بیوستن هیویست به نسخ، تمام جسم حاصل می‌آید. اما این تکمیل، زمانی محقق می‌گردد که در بیوستن هیویست به نسخ، علم و معنی و وجود داشته باشد. "جسد مر نسخ را از بهر آن داده‌اند تا اندرو علم دنیا مانند و طاعه کنند تا به راحت ابدی رستند".

بتایی‌این، هیویست به کمک علم و معنایت به تکمیل رسیده، به نسخ هیویست. این علم، علم بر طریق تحلیل غذا و تهیه آن... است، زیرا اگر غذا نباشد زندگی نیست و اگر زندگی نباشد معنی عالم روشن‌الامکان بنصر نخواهد بود. اما نسخ به عنوان دومین مرتبه‌ی وجود برای اینکه جاودان و آبی باشد، می‌باشد به عقل می‌اند شود: زیرا نسخ با فعل خود (نام کردن هیویست) قادر نسخ از مرتبه‌ی نفس‌گیران رود و در نفس‌گیری خود بازماند و این عقل است که تمام کننده نسخ است. "نفس در اگر، بیمار است و بیماری از تاکاکی و نفس خود است." قوای افلاطون است که می‌تواند این نفس بیمار را درمان کند. به عبارتی، نفس، اخیتای به عقل دارد که داشت لازم برای درمان نفس را فراهم می‌آورد.

از این رو نفس (روح)، به جهت وصول به تکمیل، محترم کسی علم و معنی است.

مر نسخ در این عالم بدان اوردبان تا آنچه مر می‌آورد و آن علم است به فنون خوشن و او یادگیرده‌ی آن است، به گردد، که علل جهانی عالم رسیدن نفس است به علم و دیگر از عالم هیچ حاصلی نیست.

پس علم طلب باید کردن تا به عالم علیه به ابعاده‌ی ابتدی رسد و قصد از آسوختن عالم بیوستن نفس به عالم علیه است. وانگهی اموزش و شناخت نیز خود قصد و غایت وجود ادمی.
اسلام،

«اما روح یا نفس... [نیز] علم و معروف لازم را کسی کرده به کمال رسیده و با عقل متحد می‌گردد: به عبارتی دیگر، نفس به عقل مبدل می‌گردد.»

در مربوطی نفس، انسان دارای عقل جزئی می‌باشد و هدف او تکامل و وصول به عقل است.

و خردادم از خلق، آن است که قصد سوی لذت عقلی کند تا برسد به لذت گیلی که معدن آن عالم علی است.»

در واقع از نظر این جماعت، نفس همواره از عقل می‌آموزد و کمیت آمختن آن، این است که به سوی عقل پیش می‌رود و تا آنجا که قدرت پرتاب و توان پذیرفتی علوم را دارد، از عقل کسب می‌کند. اما در شیوه انسان به گاهی خود، بینی عقل، به یک عقل رابطه نیاز است که از آنها به عقل بالافعل یاد می‌شود. پس از این پیوست عقل و نفس، تکامل روح و نفس حاصل می‌شود. نفس یک جوهر زنده است که علی رغم آنکه در آغاده تهیه از علم و دانش است، این است که دارای راهبردی است و نقشی دارد.

نفس در مسیر حرکت به سمت تکامل (عقل) می‌باشد. مراحل شامل;

1. حمل، ۲. نمونه، ۳. حس، ۴. نخله، ۵. تعقیل، ۶. ابی، ۷. پانزده ثانویه.

کوشش در مرحله هفتم، نفس جسم را ترک کرده و رها از جسم و عالم طبیعت به حیات خود ادامه می‌دهد و به میزانی، ای کس عقل بالاقوه شده... به کمال می‌رسد.

اما هدف کلی از نظام عالم، آن است که عقل بالاقوه را به عقل بالافعل حقیقی و در نهایت به عقل کل مبدل سازد، که این عقل کل، معادل خداوند است. اما در نگرش متفکران این مذهب، کمال، امری اکستاپی است، نه طبیعی و باید نخست از راه تربیت و تعلیم نفس و پس از آن، از راه

1. جامع/ مثبت، ص ۱۸۶.
2. راز/المؤلفین بیش قابل از آ. ی. ی. برنس، (۱۳۴۶)، ناشر خسرو و
3. سریالیان، نشانه آریا، بانک ترویج ایران، خ ۲۰۱۱.
4. واکر، پل، (۱۳۷۹)، بمباران، انتشارات پهلوی، تهران ۲۰۱۱.
5. سمیعی، مهدره، انتشارات پهلوی، تهران ۱۳۷۹.
6. سریالیان، نشانه آریا، بانک ترویج ایران، خ ۲۰۱۱.
7. غلامحسین ابراهیمی دنیایی، (۱۳۷۶)، دانشگاه فردوسی در جهان
8. ماهور، تهران؛ طرح نو، ص ۲۷.
9. سریالیان، نشانه آریا، بانک ترویج ایران، خ ۲۰۱۱.
10. سریالیان، نشانه آریا، بانک ترویج ایران، خ ۲۰۱۱.
به وجود اوردن علم به امور الهی در او به دست آید. یک عقل جزئی نیز در هفت مرتبه، تکامل متعنوی خویش را طی می‌کند در مسیر و منازل خود برای وصول به عقل کل در هر مرتبه بر علم و دانش یافته‌ها می‌گردد و در هر دور، یکی از قوانین عقل را تغییر می‌دهد. این قوانین شامل: دنیه، حق، سرور، برهم، حیات، کمال و غیبه است.

غیبه‌هایت عقل و کمال علم و معرفت است. در این زمان است که انسان در مسیر و منازل انتخاب قرار می‌گیرد و در هر دور به لحاظ کیفی و کمی بر معارف افزاش و خواهش شد و نهایتا در دور آخر، انسان به هنگام معرفت تاریخ رسیده، رو به سوی عقل کل می‌پردازد. اما در این پوسته عقل جزئی به کلی به یک عقل با واسطی نیز نیاز است که آن عقل با واسطه‌های پیامبران و امتهان‌ها که از آنها به عقل مکتسب یا با الفیل نیز یاد می‌شود، از هنگامی به واسطه‌ای معنی‌داری که خلاودن در اختیارش قرار می‌دهد، ممکن است حرکت انسان در تاریخ می‌گردد. عقل جزئی (نفس انسان) تدریجاً و طی هفت مرحله تاریخی بر معارف افزاش می‌گردد و به کمال می‌رسد. این مرحله‌ای تاریخ خود به دو مرحله جزئی تر تغییر می‌گیرد. مرحله‌ی نخست، ظهور شریعت است و مرهقه تونیل آن است؛ که در این دور، معیاره بشری از مرحله تاغی نخست آن افزوده می‌شود. سپس بی‌بی آتی دار به یکان می‌رسد و دور بعدی با معنی‌دار آغاز می‌گردد و با افزایش علم در هر دور، تاریخ رو به سوی کمال در حال تغییر و حرکت است، تا اینکه در دور هفتم، مجموعه‌ای تاییدش فضای بی‌آخرين فرد و واسطه محض یک جهان می‌رسد و خلاودن به دست او دور خلقت را به یکان می‌برد.

اما علم و دانش که پیامبران در اختیار انسان‌ها می‌گذارند معرف دینی بیا شریعت است؛ از همین رو در این مذهب قبول شریعت و دین (دین حق = دین اسماعیلی) با آموزش علم و معرفت برای است. این تفکر اسماعیلیان گاهی به جمع دین و فلسفه برداخته‌اند؛ به طوری که ناصرخسرو در جامع الحکمتین می‌نویسد:

علیان دین حق را - که آن از نتایج روح‌القدس است – با علم آفرینش - که آن از علاقوی فلسفه است - جمع توانست کردن، از بهتر آنگاه فلسفه می‌این علم‌القیمان.

۱. راه‌های عقل، صفحه ۱۸، ۲۴، ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۷۷، ۱۹۸، ۲۷۹، ۲۸۸، ۷۱۸، ۳۸۱، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۲، ۳۸۲.
۲. یوسف، دارالشفا، صفحه ۹۷، ۹۴، ۹۴، ۹۴.
۳. آیین‌نامه هنری، صفحه ۱۲، ۱۲.
۴. ازد، صفحه ۱۴، ۱۴، ۱۴، ۱۴.
۵. یوسف، صفحه ۱۴.
ر به منزلت سدوران انتغاشت، و دین اسلام را از جهل ایشان خواست گرفت، و این عاملیتان مر به فیلسفه را کافر گفتند. تن دین دین می‌زیند و نه فلسفه. اما در نگرش این جامعه، عقلی که انسان می‌پایست به واسطه شریعت بدن سرسپرده، همان عقل دینی یا معرفت‌الله است؛ زیرا پیامبر (ص) فرموده‌است که "اگر شهیر علم است و لذا آنجا، قانون، شریعت، کتاب خدا و همه قوانین و مقررات که او وضع کرده است همان علم و دانش است که برای بیان کردند نفس و تربیت او به کار می‌آید." بنابراین، از نظر اسلام، آنچه منجر به حکم انسان در تاریخ، و در نهایت، منجر به تحول آن می‌گردد، معرفت دینی است و آنچه معرفت دینی را در اختیار انسان می‌گذارد تا منجر به حکم تاریخ شود، واسطه‌هایی به نام پیامبران و ایمانان‌که هدف غایبی و نهایی آنها است. اینجا و درگون شدن نفس انسانی به صورتی است که بالقوه و حقيقةا به صفت عقل متفق شود: یعنی به حالت درآید که دوام و بقای جاودانی‌ای باد.

(ب) عوامل و نورهای جامعی و اختیاری:

بردشت اسلامی از تاریخ رشیعیه الیه دارد که هم‌اکنون و پیدا آورده‌ند، تمام حوادث تاریخ از ارسال ناطقان و پیامبران سرچشمه می‌گیرد و انسان به وسیله علم و معرفت‌که پیامبران در اختیار آنان می‌بهند، مسیر و مانزی را طی می‌کنند اما آنچه در تاریخ این معرفت‌را درک می‌کنند عقل انسان است؛ به عبارتی: علم و دانش عقل و عمل عقل است و عمل موجود به دریافت این علم و دانش الیه می‌گردد. از این رو در تفکر اسلامی، عقل دریافت معرفت دینی و شریعت است؛ یعنی در فلسفه تاریخ اسلامیتی عقل و دین تعریفی مشترک دارند و میان آنها هیچ گونه ناسازگاری وجود ندارد. امکان علم و مطالعه‌های متفاوتی مشترک دارند، و پیامبران نیز از راه و عقل انسان‌ها را راهنمایی می‌کنند. یک اگر انسان آن دانش و معرفت
معارف را کسب کنید، هم عالیم (عقلی) گسترش یافته و هم طاقت خدا را به جا آورده است. و عقل،
تشی دینی دارد و هر راهی که از عالیم حسی به عالیم علیه می‌گذرد از گذشته دین امکان پذیر
است؟

اینکه در این مذهب گفتگوی می‌شود اگر عقل اطاعت کرده کسب معرفت کنید به پیش‌ست و اگر
اطاعت نکنید به دورخ راه می‌یابید. به این مفهوم است که انسان در کسب معرفت اختیار دارد. و
و امضا ایوان پارسیان در اطاعت خداوند به عقل یاد می‌کند. پس محرک انسان، اراده یا
عقل انسانی است و محرک عقل و اراده او، معرفت الهی یا شریعت است که به واسطه
پیامبر محقق می‌گردد و علم او اکسیبی نیست و پیامبران آن را به واسطه خداوند دریافت و
و ابلاغ می‌کنند. زیرا هدف از افراش بیان، رسیدن به سعادت و لازمه‌ی حکمت خدا
تعلیم نیست و زیرا مرم شده به پیامبر است. به همین سبب، خداوند افراد را برگزار تا راه سعادت
را به آنها تشکیل دهد و از شعله شواخت دورشان داده‌د. زیرا جهت و تلاش انسان و اراده او به
تهیه نه می‌رسد. امضا ایوان پارسیان وحن الهی را بسیار گسترده تصور می‌کند و
معتقد هیچ کسی نمی‌تواند خراج از دابره هموار و نه نمی‌تواند خراج از هو علیه
بزرگترین و اهمیت عالی بیشتر نیست. بنابراین، این خداوند اساس که در طی دوره‌های مختلف، علوم
و معرفت را به افراد بشر تعلیم داده است.

در نفس من این علم علتیست الیه چه روز است، نه مچهول و نه منکر ۱

بنابراین در نگرش متفکران اسماعیلی در حکایت تاریخ، خداوند مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند،
زیرا به صورت غیرمستقیم به عقل یا اراده انسان مدد می‌رساند و انسان مختار است به
واسطه‌ی عقل. این معرفت را کسب کند و یا اطاعت پذیر نکند. پس در تفکر اسماعیلی، نه جبر
 hakam است و نه تقویض. ناصرخسرو درباره جبر و اختیار می‌نویسد: خدا عادل تر از آن است که

۱. جامع اخکاتی‌های، ص ص ۱۱۰.
۲. پاندولف کتاب یا خواننده ایران، ص ص ۱۲۶.
۳. زاده‌های سازمان، ص ص ۱۸۴.
۴. ویل به دین، ص ص ۸.
۵. الکترونیک، ص ص ۱۵۳.
۶. ناصر خسرو، (پاتا)، خوان ایران، تهران: انتشارات کتاب ایرانی
پارسی، شاگرد، ص ص ۲۰۲. ویل به دین، ص ص ۱۲۶.
۷. جامع الخاطی، ص ص ۲۱۵.
۸. ناصر خسرو و اکبری، ص ص ۲۱۸.
۹. دفتر عقل و آیدی عقل، ص ص ۲۰۳.
۱۰. ناصر خسرو، (پاتا)، دیوان ناصر خسرو، تصویب محترم میرزا و
مهسا علی‌زاده، ص ص ۱۲۵. ویران: انتشارات اکیرا، ص ص ۲۵.
خلق را بر معصیت محبور دارد و سپس ایشان را آن غروبی کند. حال مردم در این باره کاری
است میان دو کار، نه مجبور است و نه مختار و این قول جعفر صادق(ع) است.
بنا براین یکی دیگر از عوامل حسکت تاریخ از دیدگاه اسلامی بله و مو قدر الیه است زیرا:
اگر معارف الیه کسب نگردد و کتاب خدا اندیر میان مردم نیاشع، مردم یکدیگری را هلاک کند و
کسی به علم آموختن و طلب فضل نرسد، آنگه مردم با سوئرا بهزیرند.
اما خداوند تنه با ارسال رسل و اوصای آنها بلهک در آفرینش نقص حرص انسان به
کسب معاف نیز به جریان تاریخ می‌رسیدند. و میل به شنایت و دانش را خدا در سرخشت آدمی
نهاده است.
پس به قیام عقلی برهانی گویم که آفرینن این چیزهای دانستنی، و آوردن
مر این نفس دانشجوی را اندیر مردم اورد، و تقدیم می‌بندد مردم و حضوری او بر
یارا نحن این چیزهایان است که خدا بیان صنف که خرده است، مر نصرم
را همی گوید: برس و بدان که چرا چنین است، و گمان میر این صنف باطل
است و خود همین چنین همی گوید اندیر کتاب خیش این ای داده: «یاف نمک آن»
خلق السماوات و الأرض رنگی ماقبل هات ابلاط سبها نا قانع بفیلی خالی
به این ترتیب، اسامی اکثر انسان را پذیرفته‌اند و آن را دیلی تکلف و
ارسال رس و عقاب و ثواب می‌دانند و چیزگویی را محکوم می‌کنند.
(چ) پیامبران و آنه: 
اندیشمندان اسلامی در عین اینکه برای عقل و استدلال اهمیت فراوانی یافت و علم
که امام یا پیامبر باشد را نیز لازم می‌دانند؛ زیرا انسان به تنهایی قادر به سبیحالک نیست: از
این و خداوند برخی از افراد را از دیگران متمایز می‌کند تا از بانی هر چیز را
بنا براین
پیامبران و ائم‌های آنها به عوامل نتیجه‌ای ازبین ازبین در تاریخ بشر می‌روند. آنان

1. ناصر خسرو، (۱۳۶۳، گشاوش و رشایش، شرق سیدنی، تهران: نشر جامی، صفحه ۱۲۵)، مجموعه نک: علی بن عبدالله بن ویلیام، (۱۹۸۶)، کتاب الافتراق، شرح ۱۵۰-۱۵۱، می‌بین، صفحه ۲۵۳.
2. ناحیه الافتراق، صفحه ۱۵۱-۱۵۰.
3. همایون، صفحه ۱۴۸-۱۴۷.
4. همایون، صفحه ۱۵۰.
5. عبد الله ناصیر، صفحه ۱۴۷، مقدمه/نی بر ادبیات سیاسی
6. سیدنی، تهران: خانه نشر و چاپ، صفحه ۷۲.
7. اسلامی، تهران: خانه نشر و چاپ، صفحه ۲۲۶.
8. اسلامی، تهران: خانه نشر و چاپ، صفحه ۲۱۶.
به عنوان قهرمانان فکر و عقل و نهایت کمال و معرفت، به سبب رشد علم در دوره‌های می‌شوند، به عبارتی ایجادکننده معرفت! و پیام‌های آنها حکمت و فلسفه عقل است. اسامی‌الیان تفسیر و بیان ظاهر و تفسیر قرآن را وظیفه‌ی پیامربه (ص) اما تاولی و ارشاد به باطن آن از وظایف امام وصی و جانشین او می‌دانند. اما عبارتی پیامبران عامل حکمت کمی تاریخ‌نگار و امامان تاریخ را از لحاظ کیفی متحمل می‌سازند.

آن‌ان معتقدند اگر کسی معاف را از عظیم فرآورده‌های آنان دسته از قوم موسی است که گوساله را خذای خویش قرار دادن. «پیوسته امامت، جرخ زیرین تمامی تأویل‌ها و فلسفه‌ان با بوده است.» به عبارت دیگر، در دیدگاه اسامی‌الیانی ناطق، شریعت را می‌آورد و شریعت، تجدید عقل است. یعنی بر انجا در مرتبتی باید اما قرار دادن با تجدید بخشیدن به آن مغزه از عقل دریافت داشته‌اند عمل و تأثیر می‌گذارند (تأثیر از بالا بر پایین). اما اساس (مامه) کارش برعكس است و از پایین به بالا می‌گردد. اساس باید، افکار و اندیشه‌های آقای می‌راند به سوی بالا هدایت کند. تقص تأویل (نیز همین) حکمت دادن نظام به سوی بالا است۲.

اسامی‌الیان ادعای می‌کنند که در نیش حرکت دادن نظام به سوی بالا است۲. می‌گیرد: Zarber: عقل با کوش‌های خود می‌تواند به این ذیل حقیقی ناپل شهر، انسان تنها با روی آوردن به هدایت پیامبران و امامان می‌تواند از تأثیر الیه برخوردار شود.

۱. (الیه علم و معرفت حقیقی) دُرْس و حکومت در اسلام، ص:۱۹۶.
۲. تاریخ المقالات ص:۱۳۶-۱۳۸.
۳. قا در نهضان، (۱۴۱۵ق)، تاولیل اکلیم، ص:۱۹۱: نا صر خسرو، (۱۳۴۹)، خرائخ اکلیم، به کوش چپین خواب، چاپ فرهنگ، ص:۳۷۷-۳۷۸. ابوعیوب میساوی (برسلاو)، خلاص مسلمی فیلسوف دارالاندلس. چپین: (نجات و نشر و التوزیع، ص:۱۷۱ داسی ادرسقربه. (۱۴۱۵)، زمره المهمان، حقیقی مسلمی غرب پیروت: همسره، مؤسسه علمی دارالاندلس و نشر التوزیع ص:۱۸۶ و ۲۷۳.
۴. تاولیل الکلیم، ص:۱۹۱.
۵. مسلمی غرب (۱۴۱۵ق)، غربانی (۱۴۱۴ق)، (نگاه‌های الکلیمی و اسلام، پیروت: دار الکلیم ص:۱۸۸.
۶. پیام بروک، (۱۴۱۸ق)، ابوعیوب میساوی (برسلاو) و متفکر (ع). نیکولو، چپین: فرج، (۱۳۴۵)، خرائخ (۱۳۴۵)، میساوی (برسلاو) و متفکر (ع)، (نیکولو) (۱۳۴۵).
۷. همایش.
۸. خواجه نصر الیه طوسی، (۱۳۹۸)، سیر و سفر، به دیدار عمومی سید جلال‌الدین حسینی، لهستان، میساوی، به بعد خواج اکلیم طوسی، (۱۴۱۸ق)، رویه اکلیمی و اکلیمی، به تقصی ایوانف، چاپ ایوانف، ص:۱۰۵.
به عبارتی این نفوس برای درک آثار (خداوند) نیازمند واطعاماند. این واطعه‌ها همان انبیاء
الهی هستند که خداوند آن را به رسالت می‌موبئ کرده است.
رسول با قدرتی که ممالک رستاق به او می‌خشند، بین امام‌های مختلف، وحدت و هماهنگی بر
قرار می‌کند. از این رو، لازم است که شخصی در جایگاه پیامبر قرآن و احکام الهی را
فصل الخطاب قرار دهد. در نتیجه دولت جز، به وجود امام، پیامبر می‌توانست رهبر جامعه، با برهمز
می‌گیرد. اینچنین نیز شده‌است. از نظر اسلامی، امام حتی در دورانی که در سرتکلی به سر می‌پردازد,
پیوند را با طبقات مختلف جامعه ببرقرار می‌سازد. ایسمالیان معقدانه که متحرک (با انسان)
به وسیله تغییر ناطق و امامان، به شناخت خدا دست یابد و تنها وسیله‌ی معتبر وصقل به
شناخت خدا تقریب آنجاست، بنابراین معرفتی که انسان طالب آن است، [معرفت الله] تنهایی از
طريق امامان جاری می‌گردد.

2- مسير و منازل تاريخ
بر اساس دیدگاه اسلامی، شیخ الهی اقتصاد می‌کند که باید قرار دهند، بدین‌‌ویژه
وچی در تاريخ ظهور کنن و در طی هفته دوره، تاريخ خا بره ناپذیری بررسی، آن این تاريخ
گرچه جهان افرویده شده، اما به اعتقاد اسلامیان عبور از آن را خداوند بر عهده‌ی خود انسان‌ها
نهاده است. به عبارت دیگر، این مسير تاريخی، مسر و منازل دینی است، نه مسير و منازل
اجتماعی، و این دین است. که اجتماع و تاريخ را تحت کنترل خود دارد و مجري جامعه نيز
بزرگترین دين آن است. از این رو، بر اساس ارادت الهی، تاريخ هویت و موجودی مستقل می‌باشد
و انسان که حامل روح خدا生态文明 است. در مسير تاريخ، تکامل معنوی یبدای می‌گردد و این تکامل،
همان كسب علم و اگاهی یا به عبارت دیگر، معرفت است، وی بر اساس اندیشه‌ی ایدتالیستی
اسماعیلی، تنهای انسان‌ها معتقد، از این تاريخ (مسیر دین) عمیق می‌کند و فهم منزل را در هر
دور سیری کرد و با تکمیل دوستی خود، هفت مرتی به مراتب اسماعیلی را طی می‌نمایند و به
گام خود می‌رسند. از این رو، ارادت الهی (اسماعیلی) هیچ‌یک به عبور از این منازل به
سوی كمال می‌گردد. ابزاری، افزون بر مسر و منازل خود تاريخ، مسير و منازل عبور انسان در
تاريخ نیز از دیدگاه این مذهب، حائز اهمیت است که پس از گذشت از آن در پایان هر دور، یک

1. خوان/ اکبری، ص ۲۶۹.
2. اسماعیلیه (مجموعه مقایسه)، ص ۱۴۸.
3. محمد سلام مذكور، (پیتا)، معاشرة و اسلامیه، کویت: پنارا،
ص ۲۰۱.
4. اسماعیلیه (مجموعه مقایسه)، ص ۱۳۹.
5. بویعوب سجستاری داعی و متقهر اسلامی، ص ۱۴۳.
6. ابرازمیان بن حسین خا می (۱۴۱۴ق)، کنار الهی، قلم خاص، مصطلح
غلام، پیرل: دارالاندلس للطباعت، النشر و التوزیع، ص ۱۶.
مسیر از هفته مسیر کلان تاریخ را خواهد یپمود، بنابراین به اعتقادات اسماعیلیه مسير و منازل عبور
انسان را می‌توان در سه بخش مطرح نمود.
بخش فردی یا درونی، بخش تاریخی، بخش منافقین‌یکی.
الف) مسیر درونی و جسمانی (مسیرهای نفسانی)
نخستین حركت انسان به منظور تکامل، حركتی است که در درون خود انسان صورت 
می‌گیرد. بر اساس این مسیر، انسان حركت خود را از هیوله آغاز می‌کند. رشد هیوله به 
کمال، شروع منزل بعدی است که به نفس یاد می‌شود. نفس نیز در درون خود حركت را آغاز 
می‌کند و پس از گذشت از هفته مسیر به عقل می‌رسد. این عقل، همان انسان جزئی اسماعیلیه 
است که می‌باشد مسیرهای تاریخی را آغاز کند. این انسان جزئی می‌باشد اهل ترتیب باشد و 
دعا را پذیرفته و سپس وارد مسیر هدایت هفته‌گانه تنها با عبایتی مسیر تاریخی گردید.
بنابراین بس از آنکه مسیر و منزل درونی در حركت انسان یپمود شد و هیوله به عقل تبدیل 
گشت، دو مسیر مشخص، پیشینه انسان قرار می‌گیرد: ۱- مسیر اهل ترتیب با مسیر پذیرش 
دوام اسماعیلیه که به مسیرهای تاریخی متنه می‌گردد. ۲- مسیر اهل تضاد که به پیروی 
روید: زیرا نتیجه از عقل جزئی خود در ادامه را مدی می‌گویند: بنابراین، هیچ نوع حركت و 
تحولی در آنها ایجاد نمی‌شود. از اینرو از حجت به ایران می‌رود: اما اهل ترتیب با پذیرش وحی در 
کنار عقل جزئی خوش، طاعوت ناقلان را پذیرا شده و وارد مسیر تاریخی یا دینی اسماعیلی 
می‌گردد و در نهایت این مسیر از تاریخ عبور کرده، به منظور تکامل نهایی مسیرهای منافقینی 
را طی خواهند گرد.
ب) مسیر و منزل تاریخی (مسیرهای دینی)
اسماعیلیان مسیرهای تاریخی را بر اساس دین ترکیم می‌کنند و این تقسیم‌بندی آنها بر 
اساس شریعت و ظهور پیامبران است. در این مکتب، ارباب‌اتن مانند با پیامبران در صورتی 
امکان پذیر است که انسان، وارد تاریخ گردد. بر اساس اندیشه متفکرین اسماعیلیه، مسیر و 
منزل تاریخ نیز به دو بخش تقسیم می‌گردد: ۱- کلان ۲- جزئی.
۱- مسیر کلان: مسیر کلان مسیرهای خود تاریخ است که اراده انسان در آن سهم نیست;
زیرا در آن، بر اساس اراده الهی، تاریخ بشریت به هفته منزل تقسیم می‌گردد که در هر منزلی 
ناطق‌جهت گردیده، شریعت جدیدی می‌آورد و انسانها را به واسطه تعیین و هدایت از مسیرهای 
جزئی عبور داده به کمال تندرکم می‌گرددان. این دور کلان، همان تاریخ نوی است که به جریان 
است. در این سیر صعودی، آدم، آغازکندن‌هی دوروی را خواندیده و با او تاریخ انسان (تاریخ بشری) 

۱۹۳۰، ق. ۱۲۰۳/۱۳.
۲۰ همان‌جا.
آگاه شد. مخلوط‌کنی چون بین و ثانی از آماد شرودی. شکست. بین بزرگی یک جمعی از انسان‌ها. مصادر سعی به آمادگی که بود. در این زمان نبود که
با آدم شرودی. شکست. بین بزرگی یک جمعی از انسان‌ها. مصادر سعی به آمادگی که بود. در این زمان نبود که

1. Binn.
2. Thin.
باگردگر، یک معنای جمعی پیدا کرد و رهبران نهضت که تاکنون به عنوان جهت‌های امام مسutor (محمد بن اسماعیل) به انجام وظیفه می‌پرداختند، مردم را به اطاعت از او دعوت می‌کردند. از مقام جهت‌های نظام منظور به مرتبه‌ی امامت، تحول و ترقی بافتند و بیان ترتیب به طور ضمنی، مهربانی محمد بن اسماعیل نفوذ شد و ادوار صغری امامان هفت‌گانه که به محمد بن اسماعیل ختم می‌شد، امکان یافت تا عصر حاضر… ادامه یادداشته یا چیزی رجعت محمد بن اسماعیل ناکار شده بود. که از ادوار صغری بعدی به عنوان تنها دور شمار چشم‌پوشی!

اما ممز بلخی از نظریات اعمالیان نخستین را به رسمت شناخت و محمد بن اسماعیل به عنوان هفت‌مین دور به اسلام با دیگر از سوی اعمالیان قاطع به عنوان قائم و ناطق شناخته شد و این امر، مبنا بر تناوام امامت دانسته نشد. گرچه درباره‌ی این ادوار کل، ماین اندریشمندان اعمالیان در برخی موارد جزئی تناقضاتی به چشم می‌خور، اما با وجود اختلافات جزئی، در کل مسیر و منظر تاریخ به صورت کل، هفتم دور تاریخ مقدس اعمالیان، همان‌هه فتح دور شریعت نبی‌نش به حساب می‌اید که دوره‌ی روابط و دین در هر کدام از آن هفت ناطق دین زد و مدت هزار ساله است.

۱- مسیرهای جزئی: در دیدگاه اعمالیان هر دور از هفت دور مقدس ناطقان (با دورکلان) مسیرهای جزئی حرکت‌های تاریخ به حساب می‌آید که با ظهور عبیدالله المهندی و تغییر اندریشان امامت علمی‌ای اعمالیان، هر دور تاریخ هفت‌گانه را که تحت عنوان ادوار جزئی یا خرد از آن‌ها پدید‌شد، به دور یا دو بخش جزئی تر نموده‌اند: الف – دور کبیر یا کبار. ب – دور صغری با صفار.

نخستین دور حمیدالدین گرما به دور جزئی را به دو دسته سفار و کبار تقسیم نمود تا بوتند امام بودن خلاف قاطعی را تبیین و توجیه کند. ۲- هر دور کبیر، با ناطقی آغاز می‌شد. در دور کبیر، کبیر، مردم تحت تأثیر حس و خیال و مطبع حکم ثامس شریعت و دنبال هستند. در این دور، پیامبر اهل شریعتی وضع می‌کرد که قادر به فهم انسان باشد. سپس این دور به پایان می‌رسد و دور دیگری ایجاد می‌کرد. این دور دوم، دور صغری یا دوره‌ی کمال است. در انجام که امام می‌آید و بر همه‌ی ادوار قبیل سیره می‌پاید و برده از زهی رقیب رقیب، معارف حسی، وهمی و خیالی صحت مقولات مطلق رویه‌ی آلی می‌یابند. در این عصر که عصر امامان...

1. اعمالیه: (جامعه مقالات)، ص ۱۲۴-۱۲۷.
2. همان، ص ۱۲۷.
3. روانی/تقلیل، ص ۱۱۶ و ۱۲۸.
4. همان، ص ۲۴۲-۲۴۵.
5. روانی/تقلیل، ص ۱۳۵-۱۳۶: خواص رشیدالدین فضالله مهدی (۱۳۳۸)، جامع الکوایی، ج ۲، دکتر بهمن کریمی، تهران: انتشارات
به اعتقاد اسامیلیه، انسان‌ها نژاد در جویان حکمت تاریخ می‌باشت. حکمت کرده و منازلی را
که نمایندگان این منازل، اغلب در دوره‌های دور، دیگری، در عصر امامان طی‌می‌گردد. در مذهب
اسامیلیه، از منازل سیر انسان برای رسیدن به معافیت مغول (در عصر امامان) به مراثی دعوت
امامزاده‌ها و حدود این دعوت داده می‌شود. این سلسله مراثی که به صورت عمودی و صعودی
نظام یافته‌اند، ثابت‌ترند و در سراسر زمان و تاریخ از دوره‌های دوری و دوری دیگر، تغییر نخواهند کرد. این
سلسله مراثی، هفت گانه و ده‌گانه و کاهی هم پیشتر، متصور شده است.۳ برای مثال، سجستانی
این مراثی را اینکه بررسی کرده است:

پیش‌آغازین این مراثی با اولین مراثی‌ها انسان این این فرآیند سعی برای کوشش
ججت چهار سرچشمه‌ای می‌داشته [اعقل نفس، ناکل، امام، را نمی‌پذیرند و یادی گردند
نه نهاده. در تاریکی و ظلمت آقای ماماند... از جهت، مانگه‌اکه آقای ماماند آنها که
خوشش با وقی جستجو حیثیت گرده و به برتر، مؤمن ارثی می‌پانند.ً نوبستگان
امامزاده، مراثی با نتیجه‌ای را متفاوت دست‌بندید کرده‌اند. در نیز سجستانی مراثی به‌نیز آن
است که یک او را جنگی جهان و و دیگران برای این میراثی و از دعای دعایی را به یار
برده‌اند.ً را از ناج، مراثی‌های لاحقی است کهِ اصل‌الآذار متفاوت دیگری «حیث» است.ً مراثی با نتیجه‌ای.ً لاحقی است.ً هم‌های لاحقان تحت قرار یک امام هستند و امام در
یک زمان ممیز، یک فرد بیش نیست، اما به طور متعارف دارا در طول دوری، دیگر شرع، هفت امام
وجود دارد. همین‌ها این‌ها مستقیماً از تاریخ اساسی و صمیمی است که ثابت شده در ججت را

۳۳۸۲-۱۰۸۵
ابتنه جمیدالدین کرمانی در راهه العقل به گونه‌ای متفاوت از سگستانی، این مرتب دینی را ترسیم کرده است.

(۱) مسیرهای منافعیکی

شاید بتوان از این مسری به مسری عقلی‌نیز یاد کرد: زیرا در این مسیر، به نظر می‌رسد و به مرحله عقلی‌نیز یاد کرده است. وجود دارد که انسان می‌باشد پس از عبور از آن مانزل به عقل (کلی) صعود کند. بر اساس اعتقاد اسلامیان، تنازه در دور تاریخی پس از اتمام وظایف از جهان تاریخی رخت یسته به جهان انسانی واردشده و به گواهی عقل دهم صعود می‌کند و در واقع تبدیل به عقل قبضانی مجمع می‌شود و منظور سایر نطقه مانند تا آنگه به در هیکلا نورانی چون شوند و هیکل نورانی اعظم را به وجود اورند و با انقضای دور خود به مرتبه عقل تأسف صعود کند و چای خود را به نقطه دور بعد به دنده و بدن ترتیب با مرور ادوور و اکواور، تمام روحانیون و جمعیان که دعوت را اجابت کرده‌اند به جنت الالباید. برند. این صورت که پایان میرود، یک قیامت صعود تدرویجی آدم روحانی به سوی گواهی اولیه خویش است و در هنگام به یک امام دامادی، کل عقل کامل ماهوند و ادام روحانی، باید درون خوش را نابود می‌کند و به عقل دویان می‌پرورد. بنابراین عمل‌های نگرش اسلامیان دستیابی به عقل اول (عقل کلی) به معادل خدایان است، غیر ممکن است و کمال و صعود در مسیرهای انسانی و تاریخی، به صورت فردی است، اما پس از آنکه انسان وارد مسیرهای منافعیکی می‌گردد صعود از حالت فردی به حالت جمیع تبدیل می‌شود و کمالات اخیر انسان در گرو ندی اجتماعی می‌گردد.

(۲) البته مؤلف کنیاولدو، مسیرهای انسانی (منافعیکی) را بر خلاف دیگر اسلامیان که بر اساس عقل مرتب ساخته‌اندی به گونه‌ای دیگر مطرح می‌سازد.


(۴) مارکه کریمی، (۱۳۷۷)، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد ظباطی‌پور، میزود، جلد ۳. (۲۳–۱۲۳). هم‌ساز، (۱۳۶۸)، انسان‌شناسی از کنترل تا حادی. هرس: هرند مکتب، صص۱۸۵–۱۸۵.

(۵) مارکه کریمی، (۱۳۷۷)، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد ظباطی‌پور، (۱۳۶۸)، انسان‌شناسی از کنترل تا حادی. هرس: هرند مکتب، صص۱۸۵–۱۸۵.

به عبارت دیگر درنگ آنها در پرده برای کمال رسیدن کار (حدود) است تا همگان، تا فرا رسیدن روز قیامت که کمال دوره سالی است با یکدیگر اجتماع تموله حکم قائلیم: در عالم طیعت اچرا گردد. ۲

۳- گاهی تاریخ

هر شیبی برای رسیدن به هدفی آفریده شده است؟ بنابراین، تاریخ نیز به عنوان موجود مستقل و یویا هدفی را دنیال خواهد نمود. اسماعیل موان را به مثابه سیر متولی دوره‌های هفت که تصور می‌کردند که آغاز و انجامی دارد. این زمان (تاریخ) با آدم او و اهل آن امیرها آغاز می‌گشت و بلوغ آگاهی می‌آید. می‌پرسیم چون آگاهی معنی‌داری داشته، قطعاً می‌پایست یا یا این معنی‌داری هم داشته باشد؟

در نظام اسماعیلی، تاریخ مشکل از اغلب انسانی نیست و همواره کاملاً مستقل دارد: یعنی جامعه و تاریخ از دیدگاه اسماعیلیان، اصل است. چون نیز در زمان اسماعیلیان آغاز شد: این رو خود انسان و گاهی تاریخ را نیز به درغم مذهب، بسیار جالب از نظر اسماعیلی است. از دیدگاه اسماعیلی، انسان به الیک تکامل، غایت اصلی و کلی از هر امر است. و غایت فراتر از این برای وصول به غایت خوشبختی سه مسری متفاوت را به سه هدف جزیی طی خواهد نمود: ۱- مسری درونی ۲- مسری تاریخی ۳- مسری اسمایلی

در مسری تاریخی، به منظور دستیابی به کمال، تلاش می‌کند تا هیولا را به نفس رساند و از عالم نفلشان به تکامل غفلاتی نایل شود. بنابراین، در تختیت مسری حرکت، وصول به عقل، هدف اصلی اسماعیلی است. اما این مربی از تکامل عقل، مد نظر آن نیست. بلکه این عقل همان عقل جزئی است که انسان به اراضی آن به مقصود نهایی خوشبختی نخواهد رسید. بلکه امروز و مقصود نهایی انسان، همان کمال عقل و پوسته به عقل کل است. از این رو انسان در تکنیک این عقل جزئی (هدف جزئی تختیت) تلویح ماند و دوربه شروع به حرکت می‌کند، اما این حرکت در زمان رخ می‌دهد که به اراضی آن انسان وارد مسری دوم (مسیری تاریخی) خوشبختی می‌گردد و به منظور وصول به عقل کلی، عقل جزئی خوشبختی را به جهان می‌اندازد. اسماعیلیان معتقدند در این مسری، خداوند با ارسال واسطه‌هاي (میانجی‌هایی) ۰ (عقول

۱. همان، ص ۲۴۵-۲۴۶
۲. ابوعتقد مسیحی (۱۳۸۸ کشف: آغوب، مقدمه از هانری کرین
۳. تهران: چایناه انتشارات ایران و فرانسه، ص ۱۶۴. ۴. دفتر عقل و آیت عقل، ص ۲۹۰.
۵. نیک: همان، ص ۱۹۳.
۶. جامع اخلاقیات، ص ۱۳۹.
واسطه‌های یافتن‌گانه‌ها [حرکت انسان‌ها در وصول سوی گابت خویش هموار می‌کند] یا نمایندگی تحقیق و فلسفه عقل [کل] در میان انسان‌ها خواهد بود. بنابراین عقل جزئی در انسان اسماوی، با پیوند با وحی وارد جهان تاریخ می‌شود و انسان اسماوی از انسان غیر اسماوی مجزا می‌سازد. در این میان، انسان غیر اسماوی لیا اهل تضاد به پیراهن رفتهٔ گیا، آن جهات و ظلمت و سرگرمی؛ بنابراین ایشان در ایشان با پیوند با عقل و با عقل و با نگاه و این نگاه بانی وارد تاریخ می‌گردد و علاوه بر تکامل روحي، تکامل ديني خویش را نيز به دست می‌آورد.

تکامل نهایي انسان در مرحلهٔ تاریخی به یک آرمان مشترک در نظام اسماوی‌لي تبدیل گشته است. اين آرمان، رستاخيز عقل است که به واسطه عقل معرفت ذبیب ایجاد می‌گردد و در این رستاخيز، عقل و معرفت در بروز مطهر تئام و کمال دين، رسول سرلانون که مسئولت تاريخي دنيا را به پايان میرساند، به همراه می‌گردد. په براز پذيرش تمام عقل که به وسیله انسان در پايان دور هفتم تاریخ رخ می‌دهد، که در آن دور، امام قامه، دوره مخصوص روحاني و آزاد را آغاز می‌کند، پس از آن یک سال به دفتر شاپیستگي خویش به تکامل ذبیب می‌سرد. وقتی مصليه بیان قاچم می‌شود که پیامبر به پايان می‌رسد؛ آنگاه ادیان به مصداق تاریخ اول بیان معرفت انسانی می‌رسد. پس، کمال غایب و نهایي انسان و جامعه انسانی بیان می‌گردد که امام این را به هنده و مصداق خویش تاریخ را به امام خواهد رساند. که با ظهور مهدی دوسي، تکوين نهایي انسان فراهم خواهد شد و هستي جسماني و مادي متوقف می‌گردد و نفس روحاني شده‌(از تاریخ خارج گشته) وارد هستي روحاني می‌گردد که با خلوص عقلاني تعريف می‌شود و ديگر شریعتي وجود ندارد. پننان جهانی بهشت انديشه ایست، پس بهشت نیست و حسب ۷-۸ و "خشتي" أخر خلق ارواح به دست روح القدس است و جوهر در جهان از رتبهٔ عقل تر عدد کرده و با عالم معقول منسلک شده است، برای ادامه مسر، احتیاج به بدن ندارد و این روح است که ادامه مسرير داده و از تن جدا می‌گردد.۷

---

۱. ن. ک. ادوارد فلور (۱۸۷۶-۱۹۵۳)، ادبیات و فکر اسلامی، ۱۳۴۰، ص ۶۱.
۲. راهبه اسلام، صص ۱۲۴، ۱۱۴۵.
۳. روزنامه التحریر، ص ۵۶۱، ۱۳۵۵.
۴. سخنرانی‌ها، ص ص ۱۳۴۹.
۵. ابتهاج رازی، (۱۳۷۷)، اسلام، به اهتمام حسن مینوجهر و مهدی علی‌افاره، ۱۳۸۰.
۶. تاریخ اسلام، صص ۳۸۱-۳۸۵.
۷. فیلسوف اسلامیان دعای و مصرف اسلامیان، ص ص ۱۱۹.
۸. راهبه اسلام، صص ۲۰۷-۲۰۵، ص ۱۳۴۹.
به نظر می‌رسد از نظر متفکرین اسلامی، غایت تاریخ و آرمان تاریخی دو مقوله جدا از یکدیگرند. غایت تاریخ، کمال علم و اعتقاد (دین) است. اما آرمان تاریخ، یک جنبه یک کمال غنی دارد. در نگرش آنان، گزارش‌های کلماتی و چرایی تاریخ به امام می‌رساند، و در پایان تاریخ، به شدت و دوست‌دار ندارد. این تقسیم معداً در نگرش آنان و موانع کامل شدن عقل است. اما می‌توان گفت، می‌توان در این چنین دنیای طبیعی نیز عقل باشد. در نگرش آنان، می‌توان گفت، می‌توان در این چنین دنیای طبیعی نیز عقل باشد. در نگرش آنان، می‌توان گفت، می‌توان در این چنین دنیای طبیعی نیز عقل باشد.

نتیجه کلی:

بر اساس نگرش اسامی‌الیان، خطاهای کوچک و غبي و اعمال موجب افزایش انسان شد و سعی انسان در جبران خطای تلاش برای کسب معرفت و افراط فلسفه دروخیز موجب تکوین و شکل‌گیری تاریخ گشت. از اینرو تاریخ، سندریا و حریق پوهی نسبت به کمال و نیز شرح تفوق و پیروزی‌های انسان است. زیرا از انسان خواسته شده که به نفس کلی برای رشد به کمال کمک کند. بنابراین، تاریخ دیگر وضع اقامت گذشته نیست. بلکه سرگذشت ادیان و ظهور انسیاب سیستم در طول زمان است که از سوی خداوند، مأمور برای پیگیری تاریخند و تاریخ دیگر از ابزار برای عبور گذشته نیست. بلکه واسطه‌ای برای آزمودن ایمان انسان‌هاست. علی رغم اینکه انسان در افرینی‌های تاریخ نقشی ندارد و کمالاً تسلیم است، اما در برای خود تاریخ تسليم نیست و با اراده‌ی خوش بر سرنوشت خود حاکم است.

فهرست متبع و مأخوذ

- ارائه‌های دینی، غلامحسین، (۱۳۸۰)، دفتر عقل و آبی عشق، تهران: طرح نو.
- ۱۳۷۶)، ماجرای فکر فلسفي در جهان اسلام، تهران طرح نو.
- پی. ۱۳۴۶)، تاریخ و اسامی‌الیان، ترجمه آریا بور، تهران: بیان فرهنگ

۱. علی اصغر حلبی، (۱۳۷۶)، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی، تهران: اساطیر، ص ۲۹۲. ۲. اسامی‌الیان: (مجموعه مقالات)، ص ۱۷۶. ۳. خوان/الخوان، ۱۲۸ و ۱۲۵؛ راه/العقل، ص ص ۵۰۲ ـ ۵۰۵؛ شار دوبنر، (۱۳۰۳)، تاریخ فلسفي در اسلام، ترجمه آور، جونز، لندن، پی. ۱۳۴۶) جامع الفیلسوفیین، ص ۳۹. ۴. اسامی‌الیان، ص ۲۱۶. ۵. انبای، ص ص ۲۳۷-۳۴۸؛ راه/العقل، ص ص ۳۸۰-۳۸۷. ۶. علی‌اصغر حلبی در تاریخ اسامی‌الیان، ص ۱۱۹.
۶۰
- حامدی، ابراهیم بن حسین، (۱۳۴۶ق)، کنتر الولد، تحقیق مصطفی غالب، بیروت:
  دارالاندلس للطباعة و النشر و التوزیع.
- بهمن برو، محمد سید، (۱۳۶۸)، اسامعی‌های از کلیشته‌ها خالی، تهران: فرهنگ مکتوب.
- خوانجی، رشیدالدین، فضیل‌الله همدانی، (۱۳۲۸)، جامع التواریخ، ج۲، دکتر بهمن کریمی
  تهران: انتشارات آقآبادی.
- خوانجی، نصر الدين طوسی، (۱۹۵۰)، روزه‌ی سیاست‌یا تصورات، به تصحیح ایبائیف، چاپ
  بمبئی.
- _______________ (۱۹۹۸)، سیر و سلوك، ترجومه سید جلال الدین حسینی
  لندن.
- داعی ادریس قرشی، (۱۳۱۱)، زهر المینی، تحقیق مصطفی غالب، بیروت: المؤسسة
  الجامعیة للدراسات والنشر والتوزیع.
- دفتری، فرهاد (۱۳۹۸)، تاریخ و عقاید اسامعی‌های، ترجومه فریدون پدرهایی، تهران: فرزان.
- دفتری، فرهاد (۱۳۸۷)، مختصری در تاریخ اسامعی‌های، ترجومه فریدون پدرهایی، تهران:
  فرزان.
- دویست، شاپوری، (۱۳۹۶)، تاریخ قلم‌های در اسلام، ترجومه ار. جنون، لندن، چاپ.
- رازی، ابوحاتمی، (۱۳۷۲)، الاسلام، به اهتمام حسن منی‌چهره و مهندی محقق، تهران:
  انتشارات مؤسسیه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- سجستادی، ابوهیچوب (۱۳۴۱)، الینابیع، ویراسته و ترجومه هانری کوربن، در سه ساله‌ی
  اسامعی‌های، تهران، پاریس.
  _______________ (پیتا)، اثبات الالوان، تحقیق عارف تامر، چاپ دوم، بیروت، چاپ
  دارالشیرک.
- _______________ (پیتا)، الاختصار، تحقیق مصطفی غالب، دارالاندلس، بیروت: للطباعة
  و النشر والتوزیع.
- _______________ (۱۳۳۰)، الینابیع، طبع تهران: استپتو ایران، فرانسه، تهران.
- _______________ (۱۳۸۷)، کشف المحبوب، مقدمه از هانری کربن، تهران: چاپخانه
  استپتو ایران و فرانسه.
- علی بن محمودون ویلید، (۱۹۸۶)، ناج المقائد، تحقیق عارف تامر، بیروت: دارالشیرک.
- قاضی نعمان، (۱۳۱۵)، تأويل الدعائی، تحقیق عارف تامر، بیروت.
- _______________ (پیتا)، اساس تأويل، عارف تامر، بیروت: دارالشیرک.
- کربن، هانری، (۱۳۷۸)، تاریخ قلم‌های اسلامی، ترجومه جواد طباطبایی، چاپ دوم، تهران:
  انتشارات کویر.
کرمانی، حمید الدین، (1379ق)، الآفاق الذهبيه، تحقيق صالح الصاوي، تهران: انتشارات انجمی فلسه‌ای ایران.

_ گروه مذاهب اسلامی، (1380ق)، اسلامیه، (مجموعه مقالات)، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

_ لحتیون، ان گی اس، (1358ق)، دولت و حکومت در اسلام، ترجمه محمد مهدوی فقهی، تهران: انتشارات شفیعی.

_ محقق، مهدی، (1377ق)، «اسلامیه»، مجله ی پنجه، سال 11، شماره 123، ص 270-276.

_ مسکو، شاهرخ، (1371ق)، حین گشتار در فرهنگ ایران، تهران: نشر زندی.

_ ناصر خسرو، (1363ق)، جامع الحکمتین، تصحیح‌های کریم و محمد معین، چاپ دوم، تهران: کتابخانه طهرانی.

_ (پیت) خوان/الخوان، تهران: انتشارات کتابخانه ساری، شاه‌آباد.

_ (پیت) خوان/الخوان، به کوشش یحیی خشایار، چاپ قاهره.

_ (پیت) خوان/الخوان، به کوشش یحیی خشایار، ترجمه، چاپ دوم، دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

_ (پیت) زاد/المسافرین، تهران: انتشارات محمودی.

_ (پیت) گریش و راهیش، تحقیق سید تیموری، تهران: نشر جامی.

_ (پیت) چهار مذهب، به کوشش مهندس محمد یوسفی، ترجمه چاپ بریلن.

_ (پیت) چهار مذهب، به کوشش یوسفی، ترجمه چاپ بریلن.

_ (پیت) تصویب طاهری، عبدالهه، (1371ق)، مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی اسلامیه، تهران: خانه‌ی اندیشه‌جوان.

_ واکر، یل ای، (1376ق)، مهم‌الدین کرمانی: تفکر اسلامیه در دوران الحکم الپهلوی، ترجمه فریدون بدرخواه.

_ فریدون بدرخواه، تهران: فردوز روز.

_ ابوبکر سجوتنی، داعی و متکرر اسلامیه، ترجمه فریدون بدرخواه.

_ هزاوه، تهران: فردوز روز.

_ تاریخ اندیشه‌های اجتماعی از جامعه اجتماعی، تایبادی.

_ جامعه جدید، ج 3، تهران: امیرکبیر.

_ مصطفی غالب، (1346ق)، ال력کرات الباشیه، به‌ایلام، به‌بیوتو: دارالاندلس.
محمد سلام مذكور، (پی تا)، معالم الدوّلرة الاسلاميه، کویت: پی تا.

جلبی، علی اصغر، (۱۳۷۳)، تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی، تهران: اساطیر.